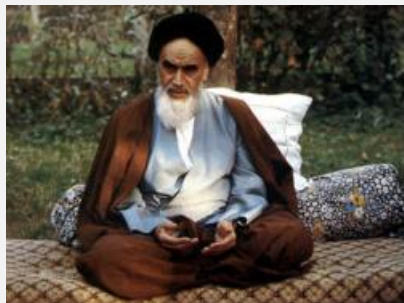


## اخلاص، رمز پیروزی حضرت امام (ره)

آیت الله قرهی درباره رمز پیروزی حضرت امام خمینی(ره) گفت: اصل اخلاص این است که از همه بپرید، بگویید: فقط خدا. به گزارش خبرگزاری مهر مطلبی از آیت الله قرهی در مورد رمز پیروزی امام خمینی(ره) در پی می آید.



آیت الله قرهی درباره رمز پیروزی حضرت امام خمینی(ره) گفت: اصل اخلاص این است که از همه بپرید، بگویید: فقط خدا. به گزارش خبرگزاری مهر مطلبی از آیت الله قرهی در مورد رمز پیروزی امام خمینی(ره) در پی می آید. رمز پیروزی امام اخلاص بود، اما رمز ورود ایشان به این جرگه این بود که خودشان فرمودند: از روز نخست چشم امیدی به هیچ کس جز خدا نداشتیم. وقتی این‌گونه شد خدا هم مردم را به سمت او هدایت می‌کند. لذا مردان خدا این‌گونه هستند، این که فلان حزب یا فلان گروه من را حمایت می‌کند یا نمی‌کند، برای آن‌ها مهم نیست. اگر کسی این حال را پیدا کرد که فقط گفت: خدا از من راضی است یا نه، پیروز می‌شود. حضرت شیخنا الاعظم، حضرت مفید عزیز و آن آیت عظمی، شاگرد بزرگوارشان، سید مرتضی نکته بسیار عالی و عظیمی را می‌فرمودند که بسیار تکان‌دهنده است.

ایشان ذیل همین فرمایش حضرت صادق القول و الفعل(ع) - که فرمودند: وقتی فردای قیامت مخلصین عالم می‌آیند «فهم الذین تَمَرَّ صحفهم یوم القیامة فرغاً» پرونده آن‌ها سفید و خالی است و وقتی مابین دست خدا قرار می‌گیرند، آن موقع از سرّ پر می‌شود «و إذا وقفوا بین یدیه تعالی ملأها من سر ما أسروا إلیه»، تازه عنوان سرّ هم می‌گوید که ما نفهمیم چه پر می‌کنند - می‌فرمایند: دلیل این است که اگر مخلصین عالم در دنیا متوجه شوند که پروردگار عالم به واسطه این اخلاص چه چیزی به آن‌ها مرحمت کرده، بلافاصله به واسطه این مقامات عظمایی که می‌بینند از دنیا می‌روند. آن قدر لطف و محبت است که به تعبیر عامیانه سنگ کوب می‌کنند.

شاید یک معنا هم آن باشد که اولیاء به آن اشاره‌ای کردند و آن این که آن‌جا پروردگار عالم مقام «قَاب قَوْسَیْنِ أَوْ أَدْنَى» [۱] را نشان می‌دهد. دیگر آن‌جا به «جَتَّتِ» [۲] حضرت حق می‌رسند. دیگر جز حضرت حق هیچ نمی‌بینند و آن جاست که چنین لذتی می‌برند که می‌بینند همه چیز در ید قدرت آن‌هاست. دیگر به عالم مسلطند، به جتت مسلطند. اول و آخر جتت را می‌بینند. آن هم جتتی که پیامبر(ص) وقتی در معراج با آن ملک طیار رفتند که او با سرعت رفت چون نمی‌توانست توقف کند. حضرت فرمودند: از کی طیر داری؟ شروع کرد گفتن که از کی من طیر دارم به تعبیر امروزی‌ها سرعت فوق صوت داشت فرمودند: تمام شده؟ گفت: نه تازه مسیرخانه یک مؤمن را دارم اندازه‌گیری می‌کنم! غوغایی است! شاید به تعبیر آیت‌الله العظمی بهجت(اعلی الله مقامه الشریف)، آن بهجت‌القلوب از این ملک طیارها زیاد باشد که دارد خانه مؤمن را اندازه‌گیری می‌کند، اما این مخلصین عالم چنان تسلط پیدا می‌کنند که اول و آخر جتت را هم می‌بینند.

یعنی می‌توان گفت مثل یک گوی که در دست کسی باشد، آن‌گونه است. اصلاً تمام خلقت، کرات، منظومه‌ها، آسمان‌ها و زمین همه و همه در ید قدرت خداست، چون خودش خالق است. حضرت حق خود کن فیکون کرده است، خود می‌داند. اما مؤمن مخلص هم به آن مقام می‌رسد، «عبدی أطعنی أجعلک مثلی» [۳] او مثلی [۴]. او جش که اولیاء خدا بیان می‌فرمایند، این است. البته طبیعی است من که هنوز جلوی پایم را نمی‌بینم، این حرف بزرگان را چه می‌فهمم!؟

خود حضرت فرمودند: «إن لله عباداً عاملوه بخالص من سرّه». خدا به این‌ها چه بدهد؟ بگوید دو باغ در بهشت می‌دهم!؟ باغ‌هایی مثلاً هر کدام به اندازه این دنیا!؟ نه، هر چه بدهد کم است. دیگر عالم در دست آن‌هاست.

این چیست که شفاعت را هم به دست مثل مولی‌الموالی(ع) می‌سپارد!؟ پیشوای شافعی‌ها می‌گوید: «علی حُبُّه جُتّه، قسیم التار و الجنة». چه زمانی می‌تواند قسیم التار و الجنة باشد؟ آن موقعی که به همه جتت مسلط باشد. آن موقعی که به قول فرمایش خودشان طرق آسمان‌ها را بهتر از زمین بدانند. اول مخلصین عالم خود حضرات معصومین(ع) هستند و در این شکی نیست. بعد تالی‌تلوه‌های معصوم، آن‌ها که بندگی خدا را فقط برای خدا انجام می‌دهند به این مقام می‌رسند.

شرطش این است که به هیچ عنوان نگاهشان به دست دیگران نباشد «اول الاخلاص الیأس مما فی ایدی الناس». یأس یعنی این که بدانند آن که بخواهد انتخاب کند اوست، نه این‌که فلانی و فلانی من را انتخاب می‌کنند. اگر خدا بخواهد این محبت را در دل مردم می‌اندازد.

مثل این که همه مردم نمی‌شناختند که امام، اما امامبرای خدا کار کردند و مردم به جایی رسیدند که فریاد می‌زدند: «خمینی عزیزم! بگو تا خون بریزم»؛ چون اتکای امام‌خدا بود، خدا هم این‌گونه معامله می‌کند.

خدا آقا معلم دامغانی، آن عارف بزرگوار را رحمت کند، ایشان فرمودند: امام به بنده و بعضی از آقایان دیگر فرمودند: به خدا قسم برای من درود گفتن‌ها هیچ اثری نداشت. ایشان اصلاً هیچ نمی‌دید، خدا می‌دید. آن‌جا هم که می‌گوید: مردم، به واسطه این‌که مردم الهی هستند، می‌گویند مردم. مردان خدا دوست دارند مردم را به خدا نزدیک کنند، برای همین می‌گویند مردم.

اصلاً نه تنها یأس از مردم، اول اخلاص است، بلکه مولی‌الموالی(ع) می‌فرمایند: «أصل الإخلاص الیأس مما فی ایدی الناس»

[۳] اصل اخلاص این است که از همه بپزید، بگویید: فقط خدا.  
عرض کردم بریدن این نیست که بین مردم نباشید، خیر در مردم هستید با مردم هستید، با آنها رفت و آمد دارید، اما همه‌اش خدا. در نشستن و برخاستن خدا را ببینید.

[۱] نجم / ۹

[۲] فجر / ۳۰

[۳] غررالحکم، حدیث: ۳۹۸